



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

۲۲ آگست، ۲۰۲۲

ترجمه: میر عبدالرحیم عزیز

امریکا طالبان را تغییر داده نمی تواند

نویسنده: Marvin G. Weinbaum

در خلال مدت یک سال یعنی از زمانیکه طالبان کابل را متصرف شدند و تقریباً یک ربع قرن از موجودیت آن، این تحریک به جز سرسختی در برابر تحول چیزی دیگری از خود نشان نداده است. نظام کنونی در افغانستان در اهداف و ستراتیژی های خود با رژیم طالبان که از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ به عنوان امارت اسلامی حکومت میکرد و بعد اینکه با دولت کابل و متحدانش تا موفقیت نهائی در ماه آگست ۲۰۲۱ جنگید، تفاوت چندانی ندارد. در قدرت و یا بدون قدرت، عملاً همان گروه از شخصیت های ارشد، این تحریک را رهبری کرده اند. وفاداری طالبان و تأمین منابع مالی آن تا حد زیادی دست نخورده باقی مانده است. علاوه بر این، سیستم اعتقادی که محافظه کاری و انعطاف ناپذیری طالبان را هدایت می کند، هرگز از مکتب آموزش های اسلامی دیوبندی که رهبران این تحریک بر مبنای آن پرورش یافته اند، دور نشده است.

در طول سال گذشته، ایالات متحده و قدرت های جهانی و منطقه ئی به دنبال ابزارهایی برای تأثیرگذاری بر رفتار نظامی بودند که تعداد قلیلی میخواستند این تحریک قدرت را در دست گیرند و هیچ کس هم اعتماد بر آنها نمیکرد. به عنوان اهرم فشار، آنها عمدتاً با خود داری از شناسائی سیاسی و انکار کمک های مالی و انکشافی، تحریم ها را علیه رژیم جدید اعمال کرده اند. با اتفاق نظر غیرمعمول، جامعه بین المللی اصرار دارد که رژیم طالبان یک دولت فراگیرتر که نماینده تنوع تفاوت های سیاسی، قومی و فرقه ئی جامعه افغانستان باشد، تشکیل دهد. همچنان، اکثر کشورها از دولت کابل خواسته اند تا سیاست های اجتماعی بسیار محدود کننده ای خود را بخصوص در مقابل زنان کاهش دهد. طور غیرمستقیم، تحریم ها نظام طالبان را نیز به قطع روابط با سازمان های تروریستی فرا- سرحدی و منطقه ئی هشدار داده است.

با اطمینان میتوان گفت که تحریم ها به عنوان ابزار فشار شکست خورده است. نظام طالبان حینیکه مشتاق دریافت مشروعیت بین‌المللی و کمک های خارجی است، از تسلیم شدن در برابر خواست های بیرونی که به عقیده آنها از تحریک طالبان میخوهند که انحصار قدرت خود را تسلیم نموده و بر عقاید اسلامی سازش کنند، لجوجانه امتناع ورزیده است. رهبری طالبان پیوسته تقسیم ثمره پیروزی به مشکل بدست آمده خود را با افغان هائی که تعهد مشابهی برای ایجاد یک دولت ناب اسلامی ندارند، رد کرده است. امروز نه کمتر از گذشته، ایالات متحده و جامعه جهانی تأثیر ایدئولوژی را در تصمیم گیری طالبان و تحرک به پیروان این جنبش ناچیز پنداشته اند. به نظر میرسد که آنها اغلب از قیمتی که طالبان مایل به پرداخت آن هستند و خطراتی که برای پایبندی به اعتقادات خود و وفادار ماندن به کسانی که در ارزش های این تحریک سهیم میشوند، متعجب شده اند.

روی همرفته، ایالات متحده، همراه با دیگر قدرت ها، اکثراً درک ناچیزی از طالبان داشت. دیپلمات ها اغلباً انعطاف ناپذیری جنبش را صرفاً یک ستراتیژی چانه زنی پنداشته اند، در حالیکه در واقعیت طالبان آشکارا معامله گر نیستند. توافقات ممکن است، اما صرف بر مبنای شرایط طالبان. نه به منظور دستیابی به مصالحه، بلکه به منظور ایجاد یک تریبون که در آن امیدوار به مشروعیت بخشیدن و برآوردن خواسته های خود باشند، طالبان وارد مذاکره می شوند. مذاکره کنندگان با طالبان اغلباً تمایلی به پذیرش این موضوع ندارند که مسائل غیرقابل وصلی وجود دارد. در طول سالیان متمادی، وقت زیادی برای یافتن افراد میانه رو در میان رهبری طالبان صرف شده است که اگرچه معمولاً برای گفتگو آزاد تر اند، اما مانند تندرو ها در عقاید اصلی غیرقابل تغییر اند.

تعامل با طالبان نیز دشواری اعتماد به آنها را برجسته ساخته است. در طول جریان صلح، طالبان اکثراً طور عمدی مذاکره کنندگان دولت و سایر طرف های ذینفع را در مورد نیات واقعی خود گمراه میکردند. بنابراین، پس از دستیابی به توافق با ایالات متحده در دوحه، طالبان بلافاصله به تعهد خود مبنی بر آغاز گفتگو های جدی با رژیم اشرف غنی پشت پا زدند. پس از غصب قدرت، طالبان از وعده های خود مبنی بر عفو مقامات سابق دولتی، آزاد گذاشتن رسانه ها و بازگشائی تمام مکاتب دختران عدول نمودند. نظام طالبان نیز مرتباً این برداشت نادرست را ارائه میداد که از القاعده و سایر سازمان های تروریستی و جهادی فاصله گرفته است.

علیرغم این تجارب، از سال گذشته بدینسو، یک طرز العمل بین ایالات متحده و نظام طالبان خلق شده است. گرچه شناخت کامل سیاسی از روی میز مذاکره دور باقی مانده و از کمک های مستقیم مالی و توسعه ئی همچنان خود داری شده است، ممکن در ساحاتی که منافع هر دو طرف تلاقی

نموده، بحث های جدی انجام شده باشد. این گفتگوها عمدتاً نیاز فوری به همکاری در رسیدگی به بحران‌های غذایی و نقدینگی مالی افغانستان مربوط شده است. هر چند که، این یافته‌ها که مقامات ارشد طالبان به ایمن‌الظواهری رهبر القاعده در مرکز کابل پناه داده‌اند، میتواند اعتماد اندکی را که با رهبری طالبان ایجاد شده بود از بین برده و گام‌های کوچکی را که در جهت عادی‌سازی برداشته شده، معکوس سازد.

اکنون ممکن است که ایالات متحده در جستجوی اقدامات تنبیهی جدید علیه رهبران ارشد طالبان باشد. حذف معافیت سال ۲۰۱۹ از ممنوعیت سفر مقامات طالبان توسط سازمان ملل که به پانزده مقام عالی‌رتبه اجازه سفر به خارج از کشور را داده است، مهم‌ترین تحریم قابل بحث است. این معافیت تمدید شده در ابتدا به آنها اجازه شرکت در مذاکرات را میداد که قادر میشدند در کنفرانس‌ها و مجالس بین‌المللی شرکت کنند و همچنان به آنها اجازه میداد تا عملاً بسوی به رسمیت شناختن سیاسی نزدیک گردند. اما پیامد های ماجرایی الظواهری ممکن است گسترده‌تر باشد. برنامه‌های اداره بایدن برای آزاد کردن ۳٫۵ میلیارد دلار وجوه مسدود شده از بانک‌های امریکائی به بانک مرکزی افغانستان ممکن است از نظر سیاسی دشوارتر گردد. آزادی نسبی معاملات مالی و تجارت در اوایل سال جاری غیر محتمل است که گسترش یابد و حتا میتواند معکوس شود. اگرچه بعید است که حمایت مالی امریکا برای تلاش‌های امدادی بین‌المللی تحت تأثیر قرار گیرد، اما ممکن است واکنش‌گتن تمایل کمتری به کمک مالی به برنامه‌هایی داشته باشد که ممکن است به تقویت نظام طالبان کمک کند. به نوبه خود، طالبان میتوانند برای اعمال فشار بیشتر بر تلاش‌های سازمان‌های امدادی بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی، به خواسته‌های شان سخت‌تر پاسخ دهد. این به نوبه خود میتواند بر تمایل بسیاری از کمک‌کنندگان برای انجام تعهدات مالی خود تأثیر بگذارد.

تحولات اخیر ممکن است نشان دهد که ما چه اندازه درس‌هایی را که بیش از بیست و پنج سال فرصت برای مشاهده و تعامل با طالبان به دست آمده، آموخته‌ایم. تجربیات نشان داده است که قوانین عادی دیپلماسی بین‌المللی در مورد جنبشی که اهداف و اخلاق آن توسط مجموعه‌ای از باورهای سخت‌دینی هدایت می‌شود، چندان جنبه تطبیقی ندارد. تحریم‌ها و فشارهای دیگر بر طالبی که احساس می‌نماید ایمانش در حال آزمایش است نمیتواند موفق گردد. به نظر میرسد که در آینده قابل پیش‌بینی، ایالات متحده چاره‌ئی ندارد جز اینکه طالبان را همانطور که هست بپذیرد. با در خطر افتادن امنیت و منافع ستراتژیک امریکا و رفاه مردم افغانستان، ممکن است جز ایجاد یک رابطه تنگاتنگ و حتی ناخوشایند، راه دیگری نداشته باشیم.